

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۹ اکتوبر ۲۰۲۳

قتل آرمیتا، تکرار قتل‌های سیاسی، کشتارهای جمعی و شکست جنبش انقلابی در ایران!

رسانه‌های حکومتی در ایران، امروز روز شنبه ششم آبان ۱۴۰۲-۲۸ اکتبر ۲۰۲۳، اعلام کردند که آرمیتا گراوند، دختر نوجوانی که پس از بیهوشی در متروی تهران به بیمارستان منتقل شد و به کما رفت، جان باخته است. خبرگزاری دولتی ایرنا روز شنبه ششم آبان‌ماه، نوشت که این دختر ۱۶ ساله «پس از به ثمر نشتن معالجات گسترده پزشکی و بیست و هشت روز بستری در بخش مراقبت‌های ویژه درگذشت». این خبرگزاری در ادامه نوشت: «آسیب مغزی وارده به مصدوم باعث شد که وی مدتی را در وضعیت کما سپری کرده و دقایقی پیش فوت کند».

دیگر خبرگزاری‌های نزدیک به حکومت در کشور از جمله تسنیم و فارس و دانشجو هم همین متن واحد را به‌عنوان خبر خود منتشر کرده‌اند.

جان‌باختن این دختر دانش‌آموز ۱۶ ساله‌ای به‌نام «آرمیتا گراوند»، جنایتی‌ست که شبیه جنایت علیه مهسا (ژینا) امینی در سال گذشته بود. مرگ ژینا، به یک جنبش انقلابی «زن، زندگی، آزادی» منجر شد و قاعدتا اکنون مرگ آرمیتا باید آتش این جنبش را شعله‌ور سازد به طوری زبانه بکشد که تمام کاخ‌های حاکمیت جهل و جنایت و ترور و بچه‌کش را به آتش بکشد. بنابراین، اکنون طبیعی است که مرگ این دانش‌آموز، اعتراض خفته در زیر پوست جامعه را تشدید کند و این جنبش مجدداً فعال‌تر سازد.

«حتی تاریک‌ترین شب نیز پایان خواهد یافت و خورشید خواهد درخشید...»

این جمله را آرمیتا گراوند در یکی از استوری‌های اینستاگرامش با عکسی از پنجره‌ای که هوای گرگومیش دم صبح را نشان می‌دهد، منتشر کرده است.

آرمیتا گراوند، متولد ۱۳ فروردین ۱۳۸۵ است و ۱۷ سال و ۶ ماه دارد. او روز یکشنبه ۹ مهر در حالی که «بدون داشتن مقعنه» به‌همراه دو نفر دیگر از دوستانش در مترو میدان شهدای تهران مانند هر روز به مدرسه می‌رفت، «بیهوش» شد و تاکنون در کما بود.

حکومت سعی داشته «بیهوش» شدن آرمیتا را نتیجه «افت فشار خون» اعلام کند، اما این روایت به دلیل محدود کردن خانواده او برای عدم اطلاع‌رسانی و جلوگیری از ورود روزنامه‌نگاران مستقل برای پیگیری این موضوع، افکار عمومی را قانع نکرد.



پنجره‌ای که احتمالا پنجره اتاقش است و هر روز از آن‌جا به بیرون نگاه می‌کرد و روزش آغاز می‌شد.

برخی روایت‌ها حکایت از این دارد که آرمیتا گراوند در آن روز با «حجاب‌بان‌ها» در مترو درگیری پیدا کرد و آن‌ها او «هل» داده‌اند که در نتیجه آن «سر آرمیتا به یک میله آهنی برخورد کرده و بیهوش می‌شود»، روایتی که بی‌بی‌سی فارسی مستقلا قادر به تایید آن نیست.

از سوی دیگر، تصاویر تقطیع شده دوربین‌های مداربسته مترو که توسط رسانه‌های حکومت به‌صورت قطره چکانی منتشر شد، همه حقیقت را نمی‌گویند. به‌ویژه که گفته شد واگن قطار دوربین مداربسته نداشته و به ادعای مقام‌های جمهوری اسلامی از لحظه اصلی که «بیهوش» شدن آرمیتا است، تصویری ثبت نشده است. ادعایی که تردیدهای زیادی نسبت به آن وجود دارد.

آرمیتا گراوند در هنرستان دخترانه «عروه الوثقی» درس می‌خواند و هر روز با مترو از ایستگاه «شهدا» به مدرسه می‌رفت.

سرنوشت آرمیتا گراوند برای همه یادآور مهسا (ژینا) امینی است، کسی که به دلیل نوع انتخاب و پوشش اختیاری در بازداشت گشت ارشاد کشته شد.

بعدها عکسی از آرمیتا گراوند در حالی کادر پزشکی در مترو مشغول انجام عملیات احیا (CPR) بودند، منتشر شد. در این عکس آرمیتا کفش‌های کتانی سیاه و سفید با آرم «نایکی» به پا داشت، کفش‌هایی که او آن‌ها را دوست داشت و در یکی از استوری‌هایش وقتی از کتانی‌هایش عکس گرفت بود، نوشت: «زمان مناسب من...»

مردم ایران، طی دهه‌های درازی انواع و اقسام راهکارهای مسالمت‌آمیز و قانونی و انتخابانی را تجربه کرده‌اند، اما تغییری واقعی و موثر چه در ساختار سیاسی-اقتصادی و چه در زندگی آن‌ها صورت نگرفته است. در این وضعیت، آن‌ها فکر می‌کنند که چه باید کرد؟ نتیجه‌اش سازمان‌دهی هدفمند اعتراضات و انقلاب است. به عبارت دیگر، مردم هنگامی به انقلاب روی می‌آورند که احساس کنند راه‌های تغییر از طریق اصلاحات بسته شده، زمانی که آن‌ها وضع موجود را مرگ و نیستی زندگی خود و خانواده‌هایشان می‌بینند دیگر از دیکتاتوری و گلوله و زندان و اعدام نمی‌ترسند و نهایتاً رهایی خود و جامعه را به درستی در خیزش‌های انقلابی و سرنگونی کلیت حاکمیت موجود تشخیص می‌دهند. حال برخی دوران‌ها انقلابات زودتر به نتیجه رسیده‌اند و برخی دیرتر؛ ولی انقلاب‌ها با افت و خیزهایی ادامه می‌یابد تا سرانجام به اهداف نهایی خود برسد! بنابراین، جنبش انقلابی «زن، زندگی آزادی» در جامعه ما، با افت و خیزهایی ادامه دارد چرا که جمهوری اسلامی همان هیولای بچه‌کش و آزادی‌کش و اکثریت مردم سراسر ایران نیز همان مردم آزادی‌خواه و برابری‌طلب و انقلابی است!



سرنوشت مشابه مهسا ۲۲ ساله و آرمیتا ۱۶ ساله

آرمیتا گراوند، دانش‌آموز پایه یازدهم هنرستان، صبح یکشنبه ۹ مهر ۱۴۰۲، در مسیر رفتن به مدرسه در ایستگاه مترو شهدا به زمین افتاد و بیهوش شد. برخی رسانه‌ها به نقل از شاهدان عینی گفته‌اند که آرمیتا در نتیجه برخورد خسونت‌آمیز یک آمر به معروف به زمین افتاده و دچار خون‌ریزی مغزی شده است.

مقام‌های جمهوری اسلامی، از جمله مدیران شهرداری و مترو تهران، پس از به کما رفتن آرمیتا گراوند، ادعا کردند که این دانش‌آموز ۱۶ ساله در اثر «افت فشار» در «ایستگاه مترو شهدا» به زمین افتاده و بیهوش شده است.

در همین حال، روز چهارشنبه ۱۹ مهر و چند ساعتی پیش از انتشار گزارش خبرگزاری وزارت ورزش و جوانان درباره «وخیم‌تر شدن علائم حیاتی آرمیتا گراوند»، تعدادی از رسانه‌های حکومتی، با هدف سناریوسازی‌های کاذب و دروغین، از جمله خبرگزاری تسنیم وابسته به سپاه پاسداران، به سراغ مدیر هنرستان عروه‌الوثقی محل تحصیل آرمیتا گراوند و همچنین سه تن از دوستانش رفتند و مصاحبه‌ای تصویری از آنان به سبک «اعتراف‌های اجباری» منتشر کردند.

در ویدئویی که خبرگزاری تسنیم، وابسته به سپاه پاسداران، منتشر کرد، مدیر هنرستان عروه‌الوثقی و یکی از دوستان آرمیتا به نام محدثه، که در روز حادثه در مترو حضور نداشتند، ادعا کردند از «ورود آرمیتا به واگن مترو تا بیهوش شدن او چند ثانیه هم طول نکشیده» است.

در مصاحبه تصویری این خبرگزاری وابسته به سپاه پاسداران، که مشخص نیست در چه شرایطی از اطرافیان آرمیتا گراوند ضبط شده است، فاطمه و مهلا، دو دختر نوجوانی که در روز حادثه همراه آرمیتا بودند، نیز روایت حکومتی «درباره نحوه بیهوش شدن» این دختر نوجوان را تکرار کردند.

سایت حقوق بشری همگاو یک هفته پیش گزارش داده بود که «نیروهای حراست آموزش و پرورش به همراه یک تیم از ماموران امنیتی در هنرستان عروه‌الوثقی محل تحصیل آرمیتا گراوند حاضر شده و با تهدید از دانش‌آموزان و دوستان آرمیتا خواسته‌اند هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی در خصوص آرمیتا نداشته باشند».

همچنین، بنا بر این گزارش، «ماموران امنیتی به دانش‌آموزان و همکلاسی‌های آرمیتا گراوند اعلام کرده‌اند در صورت هر گونه اطلاع‌رسانی و حتی به اشتراک گذاشتن عکس‌های آرمیتا»، به شدت با آن‌ها برخورد می‌شود.

از سوی دیگر، روز سه‌شنبه ۱۸ مهر ویدئویی از مشاجره یک زن آمر به معروف با چند زن مخالف حجاب اجباری در شبکه‌های اجتماعی منتشر شد که آن زن آمر به معروف به صراحت گفت: «آرمیتا را ما کشتیم؛ حقش بود».

دو فعال حقوق بشر به رویترز گفتند که یک دختر نوجوان ایرانی پس از این‌که در پی درگیری با ماموران در متروی تهران به دلیل نقض قانون حجاب به کما رفته بود، در بیمارستان در وضعیت وخیمی قرار دارد.

واقعیت این است که ماشین ترور جمهوری اسلامی، از همان هفته‌های نخست به قدرت رسیدن جمهوری در سال ۱۳۵۷-۱۹۹۷، راه افتاد به‌طوری که ترمزش برید و تاکنون همچنان در حال قربانی گرفتن از جامعه است.

جمهوری اسلامی، یکی از نادر حکومت‌های جهان است که مخالفین و حتی منتقدین خود، حتی کودکان را در خیابان‌ها به گلوله می‌بندد و می‌کشد؛ به مدارس دخترانه حمله شیمیایی می‌کند؛ روزی نیست که خبر اعدام و یا کشته‌شدن یک زندانی در زیر فشار شکنجه‌گران به رسانه‌ها درز نکند.

بنابراین، حذف فیزیکی مخالفان در داخل و خارج کشور، ریشه‌ای طولانی و عمری به اندازه حاکمیت نکت‌بار جمهوری اسلامی دارد و از همان ۴۴ سال پیش آغاز شد و همچنان ادامه دارد. در کنار سرکوب گسترده و شدید داخلی که به گریز و تبعید بسیاری از نیروهای مخالف حکومت جدید انجامید، دامنه ترور و کشتار نیز از مرزهای ایران فراتر رفت.

حسین شریعتمداری، نماینده رهبر جمهوری اسلامی در روزنامه کیهان، در جریان اعتراضات دانشجویی تیرماه سال ۱۳۷۸، در باره نحوه برخورد حکومت با مخالفان، گفته بود جمهوری اسلامی در سرکوب مخالفان، مانند ماشینی است که در سرازیری حرکت می‌کند و نه ترمز دارد و نه فرمان.

او پس از آن، بارها بر این نکته تاکید کرده و با حمایت از «بی‌ترمزها» موقعیت کنونی بسیاری از مقامات جمهوری اسلامی را ناشی از همین تندروی‌ها دانسته بود.

آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، روز چهارشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۹۶، خطاب به گروهی از دانشجویان که آن‌ها را «افسران جنگ نرم» نامید گفت: «هر کجا فرماندهی مرکزی دچار اختلال شد شما آتش به اختیار هستید.» او ادامه داد: «گاهی اوقات انسان احساس می‌کند دستگاه‌های مرکزی فکر و فرهنگ و سیاست و مانند این‌ها دچار اختلال‌اند، دچار تعطیل‌اند. وقتی دستگاه‌های مرکزی اختلال دارند، آنوقت این‌جا جای همان آتش به‌اختیاری است که عرض کردم.»

اعدام‌های فردی و جمعی و مخفی و علنی جمهوری اسلامی بی‌شمار است و در خیابان‌ها نیز هنگامی که مردم دست به اعتراض زده‌اند صدها معترض با شلیک مستقیم ماموران تا دندان مسلح جمهوری اسلامی جان باخته‌اند. در اعتراضات سال گذشته پس از کشته‌شدن مهسا (ژینا) امینی، حتی کودکان را نیز به گلوله بستند.

همچنین در جریان عملیات‌های تروریستی نیروهای امنیتی جمهوری اسلامی در داخل و خارج کشور، صدها تن از چهره‌های سرشناس فرهنگی و سیاسی جان خود را از دست داده‌اند.

والدین آرمیتا در مصاحبه‌ای که بخش‌هایی از آن از ایرنا پخش شد در مورد افت فشار دخترشان تردید داشتند از جمله مادر او با چند مکث گفت: «دخترم فکر کنم فشار... فشارش افتاده بود... نمی‌دانم چی... فکر کنم حالا گفتن فشارش افتاده. فشارش افتاده خورده زمین، بعد لبه سرش به لبه مترو خورده، دیگه بچه‌ها او را آوردن بیرون.»

اما در شبکه‌های اجتماعی آمده است که او در درگیری با پلیس حجاب در داخل مترو دچار آسیب شده است.

این بخش از فیلم مصاحبه والدین آرمیتا گراوند قابل توجه است فردی که «یکی از بستگان» معرفی شده می‌گوید: «خانواده‌اش فیلم‌ها رو دیدن، چک شده بررسی شده، بعد پخش شده» مادر آرمیتا اما با اعتراض می‌گوید: «ما همه فیلم‌ها رو چک نکردیم»

فیلم؟ زنی که در بیمارستان به‌جای مادر آرمیتا صحبت می‌کند کیست؟

زنی که خودش را فامیل #آرمیتا_گراوند معرفی کرد
«کوثر جوهری» ساکن سعید آباد شهریار، مربی
تربیتی مدرسه حضرت معصومه شهریار (خیابان
مطهری) و از اعضای بسیج شهریار است و بر اساس
اظهارات یکی از بستگانش
هیچ نسبتی با خانواده گراوند ندارد

#زن_زندگی_آزادی #سرکوب_دادخواهان



این خانم که جمهوری اسلامی در ویدیو مشهورش وی را از بستگان آرمیتا گراوند معرفی کرد «کوثر جوهری» ساکن سعیدآباد شهریار و اصالتاً اهل استان مرکزی است، مربی تربیتی مدرسه حضرت معصومه شهریار (خیابان مطهری) و از اعضای بسیج شهریار است و بر اساس اظهارات یکی از بستگانش هیچ نسبتی با خانواده گراوند ندارد. جالب است که نزدیکان این خانم گفته‌اند چادری است و تابحال با مانتو ندیده بودیم او را!



شهین احمدی، مادر آرمیتا گراوند از سوی نیروهای امنیتی بازداشت شده است. بنابر خبرهای منتشر شده در شبکه‌های اجتماعی، خانم احمدی در حالی بازداشت شد که او در مقابل بیمارستان در حال توضیح شرایط خانواده و حال عمومی آرمیتا گراوند برای جمعیت نسبتاً محدودی بود که در مقابل بیمارستان تجمع کرده بودند. آرمیتا گراوند، دختر نوجوانی است که با دوستانش بدون حجاب سوار یکی از خطوط مترو تهران شد اما در حالت بیهوشی او را از مترو خارج کردند. او در حال حاضر در بیمارستان فجر تهران در کما به سر می‌برد. همچنین وبسایت خبری «فراز» چهارشنبه شب به نقل از پدر آرمیتا گراوند نوشت که هرچند دخترش «در کماست» اما او از وضعیت دخترش بی‌خبر است. این وبسایت فوراً این خبر را حذف و برای انتشار آن عذرخواهی کرد. بنا به گزارش‌های منتشر شده در شبکه‌های مجازی مزدوران حراست و شماری از ماموران امنیتی در هنرستان عروۃ الوثقی محل تحصیل آرمیتا گراوند با تهدید به دوستان آرمیتا گفته‌اند حق هیچ‌گونه اطلاع‌رسانی در خصوص آرمیتا را ندارند.

روزنامه اعتماد نوشته است: «اگر روایت رسمی از بیهوش شدن دختر دانش‌آموز در مترو بدون نقص است، چرا خبرنگار بازداشت می‌شود؟»

به‌نوشته روزنامه اینترنتی فراز پدر آرمیتا گفت: «چند روزی است از آرمیتا خبر ندارم. اطلاع چندانی از وضعیت او ندارم فقط تا جایی که می‌دانم در کما است.»

مازیار خسروی سردبیر فرازدیلی، این موضوع را چنین توجیه کرد: «در خبری که به‌نقل از پدر آرمیتا گراوند منتشر شد، اشتباهی بزرگ رخ داد و منجر به اطلاع‌رسانی غلط شد. این خبر تکذیب و حذف گردید. ضمن تاکید بر این‌که همه مسئولیت این اشتباه بر عهده شخص من به‌عنوان سردبیر مجموعه است.»

همزمان با طرح پرسش‌ها و ابهامات در باره وضعیت پزشکی آرمیتا گراوند، دلایل این واقعه، فضای به شدت امنیتی و پوشش خبری انحصاری ماجرا که بار دیگر واکنش جهانی را برانگیخته، وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران آن را «مغرضانه و مداخله‌جویانه» خوانده است.

سخن‌گوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی در واکنش به اظهارات وزیر امور خارجه آلمان و برخی مقامات انگلیسی درباره وضعیت آرمیتا گفت: «بهتر است به فکر خودتان باشید.»

او گفت: «به‌جای اظهارات مداخله‌جویانه و جانب‌دارانه و ابراز نگرانی غیرصادقانه نسبت به زنان و دختران ایرانی، بهتر است نگران بیماران آمریکا، آلمان و انگلیس باشید و به وضعیت آن‌ها رسیدگی کنید.»

مسعود درستی، مدیرعامل مترو نیز روز ۱۰ مهر در گفت‌وگو با خبرگزاری ایرنا گفت که فیلم‌های مدار بسته ادعای درگیری عوامل مترو با این دختر را رد می‌کند و هیچ‌گونه درگیری لفظی و فیزیکی بین مسافران با آن‌ها یا عوامل مترو در دوربین‌ها ثبت نشده است.

او ادعا کرده که دختر دانش‌آموز احتمالا به دلیل «افت فشار» بی‌هوش شده و توسط دوستان خودش و یک مسافر دیگر که احتمالا پزشک بوده به بیرون از قطار منتقل شده است.

شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان چهارشنبه ۱۲ مهر ۱۴۰۲، خبر داد: «امروز رییس حراست وزارت آموزش و پرورش با حضور در محل مدرسه محل تحصیل آرمیتا گراوند و با تهدید معلمان این دانش‌آموز، تاکید کرده است که انتشار هرگونه خبر یا حتی عکسی از آرمیتا گراوند از طریق صفحات مجازی و بوسیله معلمان این دانش‌آموز، جریمه سنگینی خواهد داشت و معلم خاطی، مستقیم اخراج خواهد شد.»

کانال تلگرامی این شورا، همچنین نوشته دوستان آرمیتا که در روز حادثه همراه او بودند «به‌شدت تحت فشار هستند که نه تنها از هر گونه اطلاع‌رسانی پیرامون وضعیت آرمیتا در روز حادثه خودداری کنند، بلکه علاوه بر آن با قرار گرفتن در مقابل دوربین‌های خبرگزاری‌های رسمی، بروز هرگونه حادثه‌ای برای آرمیتا گراوند را منکر شوند.»

آرمیتا در این بیمارستان در کما به‌سر می‌برد اما در مورد علت به کما رفتن او به‌طور شفاف اطلاع‌رسانی نمی‌شود و سراسر بیمارستان نیز پر از نیروهای امنیتی است.

از سوی دیگر سایت ههنگاو مطلع شده که از زمان رسانه‌ای شدن خبر بیهوشی و به کما رفتن آرمیتا «هیچ یک از حجاب‌بان‌های شیفت روز حادثه ضرب و جرح آرمیتا در محل کار خود حاضر نشده‌اند.»

سایت دیده‌بان ایران نیز خبر داده که سایت بیمارستان فجر که محل بستری آرمیتا گراوند است، دسترسی مراجعه‌کنندگان به دو لاینک «بخش‌های بیمارستان» و «آشنایی با بیمارستان» را از دسترس خارج کرده است. این در حالی است که سایر بخش‌های این سایت در دسترس است.

خبرنگار دیده‌بان ایران برای توضیح چرایی این عدم دسترسی با بیمارستان تماس گرفته اما پاسخی به او داده نشده است.

چهارشنبه شب پس از گذشت دو روز از رسانه‌ای شدن خبر آرمیتا، رسانه‌های دولتی فیلم‌های مترو را منتشر کردند. در این فیلم‌ها دختری که ظاهراً آرمیتاست نشانه‌گذاری شده و دیده می‌شود که او بدون حجاب اجباری وارد ایستگاه شده و از گیت عبور می‌کند و پس از سوار شدن به داخل واگن دختر دیگری که ظاهراً همراه او بوده، آرمیتا را که روی زمین افتاده به بیرون واگن می‌کشد.

در این فیلم هیچ‌گونه برخوردی با ماموران حجاب دیده نمی‌شود در حالی که با حضور گسترده این ماموران در تمامی ایستگاه‌های مترو، قاعدتاً آرمیتا که در تمام طول فیلم بدون روسری است می‌بایست حداقل مورد تذکر شفاهی قرار می‌گرفت.

علاوه بر این، تمام مدت این فیلم تنها حدود پنج دقیقه است در حالی که پیشتر گفته شده بود که از زمان ورود آرمیتا به داخل ایستگاه تا بیهوش شدن او ۱۵ دقیقه طول کشیده است.

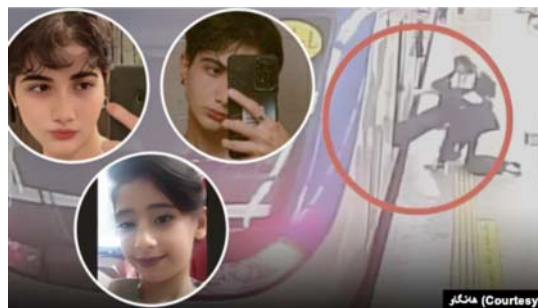
بسیاری از کاربران به همین دلیل این فیلم را نیز ساختگی و تقطیع‌شده و حتی مربوط به روزهای قبل از حادثه دانسته‌اند.

خبرگزاری جمهوری اسلامی، ایرنا فیلمی منتشر کرده که در آن دو دختر که گفته می‌شود دوستان آرمیتا و همراه او در روز حادثه بوده‌اند، مقابل دوربین روز حادثه را شرح می‌دهند. در این فیلم هم هر دو دختر اصرار دارند که درون قطار هیچ اتفاقی نیفتاده بود و آرمیتا به ثانیه‌ای پس از ورود به قطار خود به خود بیهوش شده و سرش به سکو خورده است. این خبرگزاری پیش‌تر نیز فیلمی در مصاحبه با مادر و پدر آرمیتا منتشر کرده بود که در آن مادر او با حالتی کاملاً عصبی و بالکنت می‌گوید: «گفته‌اند که در کماست».

همین تلاش‌های حکومت به اضافه دستگیری چندساعته خبرنگاری که برای گزارش دادن از وضعیت آرمیتا به بیمارستان فجر تهران رفته بود، بسیاری را نگران کرده که همان اتفاقی که برای مهسا امینی افتاد برای آرمیتا نیز بیفتد. یک منبع در بیمارستان فجر به رادیو فردا گفت که فضای امنیتی در اطراف این بیمارستان و به‌ویژه بخش آی‌سی‌یو آن حاکم است و ماموران لباس شخصی در بیمارستان حضور دارند.

این منبع به نقل از شاهدان عینی که همراه این دختر دانش‌آموز به بیمارستان رفته بودند به رادیو فردا گفت که هنگام ورود سه دختر دانش‌آموز به ایستگاه مترو، چند مامور به آن‌ها که حجاب اجباری نداشتند تذکر دادند و پس از درگیری لفظی، یک مامور یکی از دختران را هل داد.

به گفته این منبع، دختر دانش‌آموز که هل داده شده بود، به زمین افتاد و پس از دقایقی با کمک دو دختر دیگر بلند شده و به سمت واگن مترو رفتند.



عفو بین‌الملل با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد مقامات جمهوری اسلامی باید به یک هیئت بین‌المللی مستقل، شامل کارشناسان سازمان ملل، برای بررسی شرایط منجر به بستری‌شدن آرمیتا گراوند، اجازه ورود بدهند.

این بیانیه که روز جمعه ۱۴ مهرماه ۱۴۰۲، در سایت این نهاد بین‌المللی منتشر شده، می‌افزاید «شواهد فزاینده‌ای» از بیهوشی و به کُما رفتن آرمیتا در مترو تهران به‌خاطر «خشونت مجریان قوانین حجاب»، همچنین «پنهان‌کاری» جمهوری اسلامی از «واقعیت‌های» این ماجرا وجود دارد.

کمیته مستقل حقیقت‌یاب سازمان ملل نیز اعلام کرده که درباره ماجرای به «کُما رفتن» آرمیتا گراوند که یک سال پس از جان‌باختن مهسا ژینا امینی در بازداشت گشت ارشاد رخ داد، تحقیق می‌کند.

عفو بین‌الملل در ادامه بیانیه خود، تصریح کرده در روزهای پس از بستری‌شدن آرمیتا در بیمارستان، مقامات ایرانی روزنامه‌نگاری (مریم لطفی خبرنگار روزنامه شرق) را بازداشت کردند که در حال تحقیق در مورد این ماجرا بود و رسانه‌های دولتی ویدئوهای «تبلیغاتی» از اعتراف والدین و دوستان «آسکارا مضطرب» آرمیتا منتشر کردند که با «اکراه» روایت دولتی را که او به‌دلیل «افت فشار خون» به زمین خورده، تکرار کردند.

این بیانیه می‌گوید کارشناسان بخش شواهد آزمایشگاهی سازمان عفو بین‌الملل، همچنین دریافته‌اند که «فیلم تبلیغاتی منتشره توسط جمهوری اسلامی از این ماجرا دستکاری و تقطیع شده است: فریم‌ریت ویدئو در چهار بخش افزایش یافته و یک وقفه سه دقیقه و ۱۶ ثانیه‌ای در فیلم منتشر شده تشخیص داده شده است؛ به عبارتی بیش از سه دقیقه از فیلم حادثه سانسور شده است.»

دیانا التاهوی، معاون مدیر منطقه‌ای خاورمیانه و شمال آفریقا سازمان عفو بین‌الملل می‌گوید مقامات ایرانی برای «سرپوش گذاشتن» بر واقعیت شرايطی که منجر به بیهوشی آرمیتا گراوند شد، یک کارزار هماهنگ «انکار و تحریف» به راه انداخته‌اند که «به طرز وحشتناکی» یادآور روایت‌های «جعلی و توضیحات غیرقابل قبول» آن‌ها از شرایط بستری‌شدن مهسا ژینا امینی در سال گذشته است.

خانم التاهوی در ادامه گفته است با توجه به نبود چشم‌اندازی برای تحقیقات بی‌طرفانه و مستقل در داخل ایران، جامعه جهانی باید مقامات جمهوری اسلامی را «تحت فشار» بگذارد تا مجوز ورود یک هیئت مستقل بین‌المللی را برای تحقیق درباره این موضوع صادر کند.

عفو بین‌الملل، همچنین به گزارش روز گذشته گاردین اشاره کرد که از قول یک «شاهد عینی» گزارش داده بود که اندکی پس از ورود آرمیتا گراوند به واگن مترو، «یک مامور زن طرح حجاب اجباری با آرمیتا به‌خاطر نداشتن حجاب حکومتی درگیری لفظی پیدا کرده و با خشونت او را هل داده و به زمین انداخته است.»

شورای حقوق بشر سازمان ملل نیز اعلام کرد کمیته حقیقت‌یاب این سازمان حمله گزارش شده به آرمیتا گراوند را بررسی می‌کند. سازمان عفو بین‌الملل نیز خواستار اعزام یک هیات تحقیق بین‌المللی مستقل به ایران، برای بررسی گزارش‌ها درباره وضعیت این نوجوان شد.

شورای حقوق بشر سازمان ملل به نقل از کمیته مستقل حقیقت‌یاب در مورد ایران نوشت: «در حال بررسی حمله گزارش‌شده به آرمیتا گراوند ۱۶ ساله به اتهام رعایت نکردن قوانین حجاب اجباری، یک سال پس از مرگ در بازداشت ژینا مهسا امینی هستیم. حق برابری زنان باید رعایت شود.»

سازمان عفو بین‌الملل نیز اعلام کرد جامعه جهانی باید از مقام‌های ایران بخواهد اجازه دهند یک هیات بین‌المللی مستقل شامل کارشناسان سازمان ملل برای بررسی شرايطی که منجر به بیهوشی و بستری‌شدن آرمیتا گراوند شده، در پی گزارش‌ها درباره حمله به او از سوی ماموران حجاب اجباری وارد ایران شوند.

معاون مدیر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در سازمان عفو بین‌الملل گفت: «مقامات ایرانی برای سرپوش گذاشتن بر حقیقت در مورد شرایطی که منجر به بیهوشی آرمیتا گراوند شد، یک کارزار هماهنگ انکار و تحریف به راه انداخته‌اند که به‌طرز وحشتناکی یادآور روایت‌های جعلی و توضیحات غیرقابل قبول آن‌ها از بستری شدن مهساژینا امینی در بیمارستان بیش از یک سال پیش است.»

روز پنج‌شنبه گاردین در گزارشی به نقل از شاهدهی عینی نوشت که یکی از زنان مامور حجاب‌بان، آرمیتا را پس از ورود به واگن مترو به دلیل بر سر نداشتن حجاب اجباری «محکم هل داده» است. یکی از شاهدان عینی هم به گاردین گفته است اندکی پس از ورود آرمیتا به واگن مترو در روز نهم مهر، یک زن چادری و مجری طرح حجاب اجباری با او به دلیل نپوشاندن موهایش شروع به مشاجره کرد. بر اساس این گزارش، زن با فریاد از آرمیتا پرسیده است چرا روسری (مقنعه) بر سر ندارد و این دختر نوجوان پاسخ داده: «مگر من از تو می‌خواهم که چادرت را برداری؟» در ادامه، بحث آن دو به خشونت کشیده و زن حجاب‌بان با حمله فیزیکی به آرمیتا، او را به شدت هل داده است. شاهد عینی دیگری به گاردین گفت که آرمیتا وقتی روی زمین افتاد «هنوز هوشیار بود.»



دانشجویان دانشکده روان‌شناسی دانشگاه تهران روز ۲ آبان ۱۴۰۲ عکس‌هایی از آرمیتا گراوند را

در محیط دانشکده خود نصب کرده بودند

گاردین روز پنج‌شنبه ۱۳ مهر به نقل از شاهدانی عینی به شرح وقایع روز بی‌هوش شدن آرمیتا گراوند پرداخت. این روزنامه به نقل از شاهدهی نوشت یکی از زنان مامور حجاب‌بان، آرمیتا را پس از ورود به واگن مترو به دلیل بر سر نداشتن حجاب اجباری «محکم هل داده» است.

یکی از شاهدان عینی به گاردین گفت که اندکی پس از ورود آرمیتا به واگن مترو در روز نهم مهر، یک زن چادری و مجری طرح حجاب اجباری با او به دلیل نپوشاندن موهایش شروع به مشاجره کرد.

بر اساس این گزارش، زن با فریاد از آرمیتا پرسیده است چرا روسری (مقنعه) بر سر ندارد و این دختر نوجوان پاسخ داده: «مگر من از تو می‌خواهم که چادرت را برداری؟»

در ادامه، بحث آن دو به خشونت کشیده و زن حجاب‌بان با حمله فیزیکی به آرمیتا، او را به شدت هل داده است.

شاهد عینی دیگری به گاردین گفت که آرمیتا وقتی روی زمین افتاد «هنوز هوشیار بود.»

شاهدان گفته‌اند در ادامه همان زن چادری حجاب‌بان را دیده‌اند که پشت آمبولانسی منتظر ایستاده که برای بردن آرمیتا به بیمارستان آمده بوده.

گاردین در ادامه گزارش خود یادآور شد رسانه‌های حکومتی تا این لحظه هیچ فیلمی از داخل واگن منتشر نکرده‌اند. خبرگزاری دولتی ایرنا روز پنجشنبه در واکنش به این ابهام که پیش‌تر هم کاربران شبکه‌های اجتماعی مطرح کرده بودند، مدعی شد داخل قطار ۱۳۴، هیچ دوربینی وجود ندارد. ایرنا ادعای خود را در مصاحبه‌ای ویدیویی که به اعترافات اجباری شبیه است از زبان راهبر و عوامل اجرایی مترو مطرح کرد که مدعی شدند در روز بی‌هوش شدن آرمیتا در «ایستگاه شهدا» حضور داشتند. با این حال به گفته برخی کاربران مانند بهنام قلی‌پور، روزنامه‌نگار، آرمیتا سوار واگن سری ۱۲۰۰ شده بود که همگی دوربین‌دار هستند.

گزارش گاردین، همچنین به صحبت‌های اپوزیسیون مخالف جمهوری اسلامی درباره دروغ و پروپاگاندای حکومت در مورد آرمیتا و اتفاقاتی پرداخت که در مترو برایش رخ داده است. این گزارش با اشاره به خبرهای منتشر شده درباره بازداشت شهین احمدی، مادر آرمیتا و تکذیب آن از سوی رسانه‌های وابسته به سپاه پاسداران و حکومت نوشت که این دستگیری نشان می‌دهد مقام‌های جمهوری اسلامی می‌ترسند او روایت رسمی را درباره اتفاقی که برای دخترش افتاده باور نکرده باشد.

پدر و مادر او آخرین بار ظهر چهارشنبه ۱۲ مهر برای دقایقی از پشت شیشه و در حضور ماموران امنیتی موفق به دیدنش شدند و بعد از آن دیگر حتی اجازه همین ملاقات را هم پیدا نکردند.

شهین احمدی، مادر آرمیتا گراوند پس از ممانعت ماموران از حضورش در اتاقی که دخترش در آن بستری است، به فریاد و اعتراض پرداخته و ماموران امنیتی مستقر در بیمارستان او را بازداشت کرده‌اند.

گاردین، همچنین به نقل از یک شاهد عینی نوشت: «دوستان و خانواده او تحت فشارند. من انتظار ندارم بعد از اتفاقی که برای خانواده مهسا(امینی) افتاد، آن‌ها بتوانند حقیقت را فاش کنند.»

همه این اعمال و رفتار جنایتکارانه جمهوری اسلامی سبب شده است که مردسالاری به حدی در ایران تقویت شود و به طور عنان گسیخته بدون ترس از قانون و محاکمه دست به زن‌کشی بزنند.

بر اساس اخبار منتشر شده طی شش ماه نخست سال ۱۴۰۲ دست‌کم ۵۲ مورد زن‌کشی در ایران ثبت شده است که ۲۰ مورد آن قتل‌های ناموسی بوده است.

از میان این قتل‌های ناموسی دست‌کم چهارمورد دختران زیر ۱۵ سال بوده‌اند.

برخی منابع خبری در هفته گذشته، گزارش‌هایی سراسر رنج از قتل و اقدام به خودکشی منجر به مرگ زنان به‌دلیل آنچه «اختلافات خانوادگی»، «مشکلات زناشویی»، «بدگمانی و سوءظن»، «به خطر افتادن آبرو» و «مسائل ناموسی» خوانده شده است در شهرهای مشهد، شیراز، اهواز، هرسین، سردشت و خوی منتشر شده است.

اخیرا روزنامه اعتماد نوشت؛ طبق اخبار منتشرشده؛ از ابتدای مهرماه تاکنون دست‌کم هشت زن با انگیزه‌های مختلف در شهرهای مشهد، سردشت، خوی، اهواز، شیراز و محلات به قتل رسیده‌اند. این آمار در عرض دو هفته رقم کمی نیست و نشان می‌دهد به‌طور میانگین یک روز در میان، یک زن و دختر به قتل رسیده‌اند. بررسی‌های مقالات دانشگاهی و پایان‌نامه‌ها خبر از آن می‌دهد؛ «سالانه بین ۳۷۵ تا ۴۵۰ مورد» قتل‌هایی با انگیزه‌های ناموسی یا اختلافات خانوادگی در ایران رخ می‌دهد. این نوع قتل‌ها در استان‌هایی با بافت سنتی آمار بالاتری دارد. ...

عصر روز یازدهم مهرماه جاری، «یگانه.ر» زنی ۲۵ساله اهل باقرآباد شهرستان محلات واقع در استان مرکزی به دست دایی خود با «اسلحه دولول»(شکاری) با شلیک پنج، شش گلوله به قتل می‌رسد. این زن جوان در ۱۲ سالگی به

اجبار خانواده با مردی از آشنایان مادر ناتنی خود نامزد می‌کند. چهار سال بعد وقتی یگانه متوجه ارتباط مادر ناتنی خود و نامزدش می‌شود با مدارکی که از ارتباط آن‌ها به دست آورده بود از نامزدش جدا می‌شود.

این زن چند ماه بعد با «مهدی» مردی که سیزده، چهارده سال از او بزرگتر بود، ازدواج می‌کند. این ازدواج هم به دلیل مشکلاتی که بین آن‌ها بوده دوام نمی‌آورد و این دو از هم جدا می‌شوند. این زن جوان پس از جدایی تصمیم می‌گیرد تنها زندگی کند، اما همین موضوع باعث می‌شود او به دست دایی‌اش کشته شود. دایی یگانه پس از به قتل رساندن او خود را به پلیس معرفی می‌کند و می‌گوید؛ قاتل یگانه، منم!

طی یک سال اخیر یگانه دومین زنی است که در این شهرستان قربانی قتل‌هایی با انگیزه ناموسی یا خانوادگی می‌شود. سال گذشته نیز یک زن جوان با انگیزه ناموسی توسط همسرش با سلاح گرم کشته شد. ...

یک منبع آگاه که نمی‌خواهد نامش در این گزارش قید شود می‌گوید؛ یگانه به دو علت قربانی شد. علت اول مربوط به جدایی پدر و مادرش می‌شود. علت دوم هم به ازدواج این زن جوان در سنین کودکی برمی‌گردد.

دایی یگانه روز حادثه حدود ساعت ۵ عصر او را به بهانه بردن به بهزیستی از خانه خارج و به سمت بیابان‌های اطراف باقرآباد می‌برد و با اسلحه دولول به سر یگانه شلیک می‌کند.

در میان این هشت زن و دختر؛ سه قربانی از شهرستان سردشت واقع در آذربایجان غربی بوده‌اند.

* ۱۰ مهر ماه دختری ۱۶ ساله اهل شهرستان ربط در سردشت توسط پدرش به‌طور فجیعی به قتل می‌رسد. جسد این دختر نوجوان در حالی در سد سردشت کشف می‌شود که چشم‌ها و دهانش چسب زده شده و به پاهایش بلوک سیمانی بسته شده بود. شهروندان حین خالی کردن آب سد با جسد این دختر نوجوان مواجه می‌شوند و به پلیس خبر می‌دهند. پدر او در مورد انگیزه قتل دخترش اعتراف کرده که به‌خاطر دیر آمدن به خانه او را کشته است.

اوایل مهر ماه در شیراز یک پسر جوان، دختری را که گمان می‌کرد نامزدش است به‌طور اشتباهی در خیابان با ضربات چاقو به قتل می‌رساند.

* ۶ مهر ماه یک مرد ساکن مشهد زن خود را خفه می‌کند. او پس از به قتل رساندن همسرش جسد او را مثله و داخل چمدان می‌گذارد و چمدان را با خود به تهران می‌آورد. این مرد در تهران خود را به پلیس معرفی و در مورد انگیزه‌اش از قتل اعتراف می‌کند؛ همسرش با مردی دیگر در ارتباط بوده است.

* ۷ مهر ماه دختری ۱۷ ساله در روستای مارغان شهرستان سردشت، توسط همسر و دو برادر ناتنی‌اش با اسلحه به قتل می‌رسد. این دختر نوجوان در سن ۱۲ سالگی به خواست خانواده با پسرعمویش ازدواج می‌کند، اما به خاطر مشکلات خانوادگی مجبور می‌شود به خانه پدری برگردد. در نهایت هم توسط همسر و دو برادر ناتنی خود کشته می‌شود.

* ۸ مهر ماه در یکی از روستاهای شهرستان خوی مردی با سلاح گرم؛ همسر، دختر و خواهر زن خود را به قتل می‌رساند و فرار می‌کند، اما چند روز بعد توسط پلیس بازداشت می‌شود. او انگیزه‌اش را از قتل مسائل ناموسی عنوان کرده است.

* ۹ مهر ماه دو مرد در اهواز زنی از بستگان‌شان را به خاطر اختلافات خانوادگی به قتل می‌رسانند.

* ۱۱ مهر ماه زنی ۲۵ ساله در باقرآباد از توابع استان مرکزی توسط دایی خود با اسلحه شکاری به قتل می‌رسد.

* ۱۳ مهر ماه زنی ۲۱ ساله اهل روستای گولان سردشت که از همسر خود جدا و به خانه پدری برگشته بود به‌خاطر ظن پدر بابت ارتباط با خواستگارش توسط عمو و پدرش به قتل می‌رسد.

با وجود همه آنچه که در بالا گفته شد به نظر می‌رسید که رسانه‌های داخلی ایران برای پوشش این خبر به شدت تحت فشار بودند و خبرهای منتشر شده در مواردی حذف شده است.

هه نگو در گزارشی که روز جمعه گذشته منتشر کرد، یادآور شده: شامگاه پنج‌شنبه ۱۳ مهرماه، شهین احمدی مادر آرمیتا گراوند متعاقب ۲۴ ساعت بازداشت با اخذ تعهد نسبت به عدم هرگونه اطلاع‌رسانی آزاد و به بیمارستان فجر تهران برگردانده شده است.

نیروهای امنیتی ضمن انتقال آرمیتا به اتاق نامشخصی در همان بیمارستان کلیه پرسنل درمان و حتی مأمورین امنیتی حاضر در محل را به دلیل ظن خبررسانی تعویض کرده‌اند.

روز جمعه ۱۴ مهر ۱۴۰۲، پدر آرمیتا گراوند متعاقب مصاحبه تلویزیونی اجازه پیدا کرده صرفاً به مدت بسیار کوتاهی (در حد یک نگاه) آرمیتا را ببیند. تا کنون تیم معالج به هیچ عنوان اظهار نظری در خصوص وضعیت سلامت آرمیتا حتی به پدر و مادرش نکرده‌اند.

گفته می‌شود که آرمیتا گراوند، تکواندوکار حرفه‌ای و دان ۳ دارد. او عاشق نقاشی است و از ۲ سال پیش به صورت جدی نقاشی را شروع کرده و پدر و مادرش از ایل گراوند و نسبت خانوادگی دارند.

مقامات جمهوری اسلامی این موضوع را رد کرده و دلیل بیهوش شدن او را «افت فشار» اعلام کرده‌اند، با این حال نه فیلم‌های کامل مترو را پخش کرده‌اند و نه اجازه می‌دهند که خبرنگاران مستقل از این واقعه گزارش تهیه کنند. خبرنگار شرق نیز که برای تهیه گزارشی در این زمینه به بیمارستان فجر رفته بود، برای ساعاتی توسط مأموران امنیتی بازداشت شد.

مقام‌های جمهوری اسلامی ایران، هنوز حاضر نشده‌اند فیلم‌های بیشتری از دوربین‌های مدار بسته ایستگاه مترو شهدا را منتشر کنند که همین نکته شک کاربران شبکه‌های اجتماعی را برانگیخته است.

آن‌ها از احتمال تکرار اتفاقی که برای مهسا امینی در شهریور سال گذشته رخ داد، سخن گفته‌اند و روزنامه‌نگاران هم از بازداشت چند ساعته خبرنگار روزنامه شرق که برای تهیه گزارش به بیمارستان رفته بود، انتقاد کرده‌اند.

این در حالی است که نیلوفر حامدی، خبرنگار روزنامه شرق که برای اطلاع‌رسانی درباره وضعیت مهسا امینی در زمان بستری شدن به بیمارستان کسری تهران رفته بود، بعد از گذشت بیش از یک سال، همچنان در زندان است.

مقامات جمهوری اسلامی و در راس همه خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، همه کمبودهای کشور و همچنین هرگونه اعتراض مردمی، انگشت اتهام را به «دشمنان اسلام» و «جمهوری اسلامی» می‌گیرند و تلاش می‌کنند آدرس غلط به جامعه می‌دهند تا به زعم خود، از مسئولیت‌ها و جنایات خود مبرا گردند. حتی گاهی جناح‌های درونی حکومت نیز به این نوع دروغ‌گویی‌ها و سناریوسازی کاذب حکومت‌شان اقرار می‌کنند.

اکنون هیچ‌کس به گفته‌های رهبر و سایر مقامات جمهوری اسلامی و رسانه‌های وابسته به ارگان‌های مختلف حکومتی، باور ندارند. این عدم اعتماد نه در یک سال اخیر، بلکه در ۴۴ سال حاکمیت جمهوری اسلامی و براساس تجارب بیش از چهار دهه شکل گرفته است.

اکنون رسانه‌ها از وخامت وضعیت آرمیتا گراوند خبر می‌دهند. جمهوری اسلامی اعلام کرده است، آرمیتای ۱۶ ساله در مسیر مدرسه در ایستگاه مترو شهدا تهران به دلیل «افت فشار» بیهوش شده و به‌خاطر اصابت سرش به سکوی مترو به کما رفته اما شاهدان عینی گفته‌اند که او در درگیری با مأموران گشت ارشاد در داخل مترو دچار آسیب شده است.

اوضاع سلامتی آرمیتا گراوند، دختری ۱۶ ساله که بر پایه برخی از گزارش‌ها به دلیل هل داده شدن توسط یک حجاب‌بان، به اغما رفت، وخیم شد.

آن‌ها رخ دادن هرگونه «درگیری لفظی یا فیزیکی» بین آرمیتا گراوند و مسافران یا ماموران در مترو را رد کردند. جمهوری اسلامی ایران در ماه‌های اخیر، فشار بر زنانی را که پوشش اجباری را رعایت نمی‌کنند، افزایش داده است. همچنین لایحه «عفاف و حجاب» توسط دولت ابراهیم رئیسی تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. بنابر خبرهای غیررسمی که در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده، تیم پزشکان آرمیتا گراوند به نیروهای امنیتی مستقر در بیمارستان فجر اعلام کردند، با توجه به این‌که آرمیتا هیچ واکنش و علائم حیاتی ندارد، به‌طور قطعی دچار مرگ مغزی شده است لذا ادامه اتصال آرمیتا به دستگاه‌های پزشکی توجیه ندارد و این دستگاه‌ها باید از وی جدا شده و مرگ مغزی وی که از نظر پزشکی به معنای فوت آرمیتا می‌باشد، به خانواده‌اش اطلاع داده شود.

عصر چهارشنبه ۱۹ مهر و تقریباً همزمان با انتشار این خبرها، خبرگزاری وزارت ورزش و جوانان «برنا» نیز گزارش داد که بر اساس پیگیری‌های این خبرگزاری، «علی‌رغم تلاش‌های مستمر کادر پزشکی بیمارستان فجر، علائم حیاتی نسبتاً پایدار آرمیتا گراوند طی چند روز گذشته تغییر یافته و تا حدودی به وخامت گراییده است.» سایت حقوق بشری همنگاو نیز که تا کنون جزئیات زیادی از وضع آرمیتا گراوند منتشر کرده است، ضمن اشاره به گزارش خبرگزاری دولتی برنا درباره وخیم‌تر شدن علائم حیاتی این دختر دانش‌آموز، تاکید کرد که «علائم حیاتی آرمیتا گراوند به شدت ناپایدار» شده است.

با وجود این همه شواهد و مدارک علیه جمهوری اسلامی و ماموران آن، باز هم روزنامه‌های حکومتی بی‌شرمانه چنین جنایاتی را رد می‌کنند. برای مثال، رسانه‌های امنیتی و حکومتی نیز واکنش‌های خود را گسترش دادند به‌طوری‌که روزنامه شهرداری تهران، همشهری نوشت: «اگر سوار مترو شده باشید و مسافر هر روزه این ناوگان باشید شاهد هستید که ماموران انتظامی در مترو بدون درگیری لفظی و برخورد فیزیکی با هنجارشکنان، فقط صرف بیان یک جمله تذکر رعایت حجاب می‌دهند.»

لا بد کشتن بچه‌ها و معترضین در خیابان‌ها با گلوله‌های جنگی ماموران حکومتی نیز «تذکر» است؟! به هر رو، گزارش‌ها درباره وخیم‌تر شدن وضع آرمیتا گراوند در حالی منتشر شده است که امکان اطلاع‌رسانی و تحقیق مستقل نیز وجود ندارد. خبرها از ایران حاکی از آن است که رسانه‌ها و خبرنگاران داخلی از اطلاع‌رسانی درباره آرمیتا بدون هماهنگی با نهادهای امنیتی منع شده‌اند.

پیش از این، سازمان عفو بین‌الملل با اشاره به شواهد فزاینده از «پنهان‌کاری مقام‌های حکومتی» درباره رخدادهای منجر به کمای آرمیتا گراوند در مترو تهران، تاکید کرده بود که مقام‌های جمهوری اسلامی باید به هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل متحد و دیگر ناظران مستقل اجازه دهند که وارد ایران شوند و درباره «شرایطی که منجر به بستری شدن آرمیتا گراوند در بیمارستان شده» تحقیق کنند.

اما مقام‌های جمهوری اسلامی تا کنون به هیئت حقیقت‌یاب سازمان ملل اجازه ورود به ایران نداده‌اند. در روزهای گذشته، تشدید فشار بر خانواده آرمیتا گراوند، ضبط مصاحبه‌های فرمایشی با ماهیت «اعتراف‌های اجباری»، و منع اطلاع‌رسانی رسانه‌های نیمه‌مستقل و خبرنگاران غیرحکومتی، روز به روز بر دامنه پنهان‌کاری در مورد آرمیتا گراوند افزوده است.

بعد از یک سال از قتل حکومتی مهسا (ژینا) امینی، آن‌هم صرفاً به‌خاطر «حجاب»، اکنون همان جنایت حکومتی درباره آرمیتا تکرار شده است. جنایت تکراری غم‌انگیز و دل‌خراش!

بیش از سه هفته‌ای از به کما رفتن آرمیتا می‌گذرد و این مدت، اخبار ضد و نقیض فراوانی درباره او منتشر شده است. در تازه‌ترین مورد از این دست، چند روز پیش خبرگزاری «برنا» وابسته به وزارت ورزش، خبری کوتاه درباره «قطعی شدن مرگ مغزی» آرمیتا گراوند منتشر کرد. این خبر با این‌که هیچ جزئیاتی نداشت و منبع اطلاعات آن مشخص نشده بود، به سرعت توسط دیگر رسانه‌های حکومتی بازنشر شد.

در جریان آرمیتا گراوند، جمهوری اسلامی با استفاده از تجربه‌های قبلی خود، کارزار بزرگی برای کنترل اخبار و افکار عمومی راه انداخت.

انتقال آرمیتا به بیمارستان نظامی، تهدید خانواده و همکلاسی‌های آرمیتا در خصوص انتشار تصاویر و اخبار او، تهدید کادر درمان، ممانعت از حضور خبرنگاران، انتشار قطره‌چکانی خبرها، تحریف واقعیت از طریق مصاحبه اجباری و ساخت ویدیوهایی که همه واقعیت را نشان نمی‌داد، تهدید رسانه‌ها و ... همه این کارها را انجام دادند تا زهر خبر را بگیرند و جامعه را کرخت کنند. در این میان حوزه‌های خبری دیگری شکل گرفت و تلاش شد تا اخبار آرمیتا به حاشیه بروند و مشمول گذر زمان شود. اما جنایت مشمول گذر زمان نمی‌شود.

او تنها یک خواهر بزرگتر از خود به نام «آوا» دارد و خانواده‌اش اصالتاً اهل کوه‌دشت در استان لرستان هستند که به گفته یکی از نزدیکانش از ابتدای دهه ۸۰ خورشیدی به تهران مهاجرت کردند.

اطلاعات از آرمیتا گراوند بسیار محدود است، دختری پر از شور زندگی، عاشق گربه و تاریکی و نقاشی و بی‌تی‌اس و انیمه و طراحی لباس و تکواندو. دختری که مانند دیگر هم‌نسلانش در چهارچوب‌های موجود فعلی در جامعه ایران نمی‌گنجد.

آرمیتا گراوند ورزشکار حرفه‌ای تکواندو است و از سال ۱۳۹۲ به‌صورت حرفه این ورزش را آغاز کرد و به گفته یکی از دوستان همپاشگاهی‌اش تا قبل از حادثه مترو، مرتب به باشگاه می‌رفت.

آرمیتا با این‌که تنها ۱۷ سال دارد، اما توانسته «دان ۳» این ورزش رزمی کره‌ای را بگیرد که نشان می‌دهد درخشش خوبی در این ورزش داشته است.

او عضو تیم تکواندوی «آناهید رزم» در تهران بود و بر اساس اطلاعاتی که درباره او وجود دارد، دارای کمربند «پوم یک» است.

پوم یک در تکواندو، کمربندی نیمه سیاه نیمه قرمز است که معادل کمربند سیاه است برای افرادی که سن آن‌ها کمتر از ۱۵ است. بدان معناست که فرد تکواندوکار تمام دانش لازم را برای دریافت کمربند سیاه دارد و تنها از نظر سنی شرایط لازم برای بستن کمربند سیاه را ندارد.

آرمیتا عاشق گروه موسیقی کره‌ای بی‌تی‌اس (BTS) است. او چهره «پارک جیمین»، یکی از اعضای اصلی بی‌تی‌اس را نقاشی کرده و با شیوه ابراز دوست داشتن کره‌ای‌ها که با انگشت اشاره و شست یک قلب کوچک را به هم‌دیگر نشان می‌دهد، نقاشی «پارک جیمین» را استوری کرده است.



نقاشی چهره پارک جیمین که آرمیتا کشیده

گفته می‌شود آرمیتا شیفته مدل لباس پوشیدن و موهای «پارک جیمین» و «جونگ‌کوک» از اعضای بی‌تی‌اس است. او مدل موهایش را شبیه آن‌ها کوتاه کرده و حتی سعی می‌کرد شبیه آن‌ها لباس بپوشد.



تصویر سمت راست: یکی از نقاشی‌های آرمیتا که مدل مو و لباس جونگ‌کوک، از اعضای گروه بی‌تی‌اس را کشیده یکی از دوستان آرمیتا گراوند به بی‌بی‌سی فارسی گفته که او به نقاشی علاقه دارد و از حدود دو سال پیش برای یادگیری نقاشی به‌صورت حرفه‌ای در هنرستان ثبت‌نام کرده بود. چهار طرف دیوارهای اتاق آرمیتا نقاشی آویزان است و روی میزش مملو از وسایل نقاشی است، رنگ، قلم، کاغذ و بوم.

او چیزهایی که دوست دارد، مانند گربه و خواننده‌های مورد علاقه‌اش را نقاشی می‌کند. او همین‌طور مدل لباس‌های مورد علاقه‌اش را طراحی می‌کند.



چند نمونه از طراحی مدل لباس و نقاشی‌های آرمیتا گراوند

آرمیتا زیر نقاشی یک گربه که کشیده نوشته: «تو این دنیا فقط گربه‌ها فهمیدن که هیچی ارزش هیجان‌زده شدن نداره، واسه همین که تو هر حالتی قیافشون یه مدله».

آرمیتا در زیر یکی از پست‌هایش به انگلیسی نوشته: «انتخاب‌های من را قضاوت نکنید بدون این‌که دلیل آن‌ها را بدانید...».

متأسفانه نه ژینا امینی اولین قربانی حکومت وحشی و تبه‌کار اسلامی ایران بود و نه آرمیتا گراوند آخرین خواهد بود. ماهیت و کسب و کار اصلی جمهوری اسلامی، قتل و غارت و کشتار است. آدم‌کشی و جنایت علیه بشریت، چرخه‌ای است که باید خود مردم ایران مستقیماً به آن پایان دهند و هیچ انتظاری هم از دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی نداشته باشند. جامعه ایران تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی و حاکم شدن بر سرنوشت خویش، می‌تواند به این چرخه جنایت و تکرار آدم‌کشی و فقر و فلاکت پایان دهد و دینای بهتر بسازد!

سکوت و بی‌تفاوتی در برابر این همه جنایت و وحشی‌گری جمهوری اسلامی ایران، جایز نیست!

«آهای آهای نشسته‌ها، مه‌سای بعدی از شماست» شعار دانشجویان دانشگاه چمران اهواز – ۳ آبان
شعر ای آدم‌ها یکی از سروده‌های زیبایی نیما یوشیج است.

آی آدم‌ها

آی آدم‌ها که بر ساحل نشسته شاد و خندانید

یک نفر در آب دارد می‌سپارد جان

یک نفر دارد که دست و پای دایم می‌زند

روی این دریای تند و تیره و سنگین که می‌دانید

آن زمان که مست هستید از خیال دست یابیدن به دشمن

آن زمان که پیش خود بیهوده پندارید

که گرفتید دست ناتوانی را

تا توانایی بهتر را پدید آرید

آن زمان که تنگ می‌بندید

بر کمرهاتان کمر بند

در چه هنگامی بگویم من؟

یک نفر در آب دارد می‌کند بیهوده جان قربان

آی آدم‌ها که بر ساحل بساط دلگشا دارید

نان به سفره جامه‌تان بر تن

یک نفر در آب می‌خواند شما را

موج سنگین را به دست خسته می‌کوبد

باز می‌دارد دهان با چشم از وحشت دریده

سایه هاتان را ز راه دور دیده

آب را بلعیده در گود کبود و هر زمان بی‌تابیش افزون

می‌کند زین آب‌ها بیرون
گاه سر. گاه پا
آی آدم‌ها
او ز راه دور این کهنه جهان را باز می‌پاید
می‌زند فریاد و امید کمک دارد
آی آدم‌ها که روی ساحل آرام، در کار تماشائید!
موج می‌کوبد به روی ساحل خاموش
پخش می‌گردد چنان مستی به جای افتاده، بس مدهوش
می‌رود نعره زنان. وین بانگ باز از دور می‌آید:
آی آدم‌ها...
و صدای باد هر دم دلگزاتر
در صدای باد بانگ او رساتر
از میان آب‌های دور ی و نزدیک
باز در گوش این نداها
آی آدم‌ها...